

تحلیل و نقد رویه قضایی درباره داوری شخص حقوقی

مونا سام^۱

چکیده

داوری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شیوه‌های جای‌گزین حل اختلافات، همواره مورد توجه نظام‌های حقوقی مختلف بوده است. یکی از مسائل چالش‌برانگیز در این حوزه، امکان‌سنجی ایفای نقش داوری توسط اشخاص حقوقی است. در برخی کشورها، از جمله آلمان و بلژیک، داوری اشخاص حقوقی مورد پذیرش قرار گرفته، در حالی که در نظام‌های حقوقی فرانسه و انگلستان، تنها اشخاص حقیقی مجاز به داوری شناخته شده‌اند. در حقوق ایران نیز این موضوع محل اختلاف است و نظرهای مختلفی درباره جواز یا عدم جواز داوری اشخاص حقوقی ارائه شده است.

این مقاله با بررسی مفهوم داوری اشخاص حقوقی و تفاوت آن با داوری نهادی، به تحلیل دیدگاه‌های موافق و مخالف در این زمینه می‌پردازد. همچنین، به بررسی مبانی حقوقی، مزایا و چالش‌های پذیرش داوری اشخاص حقوقی پرداخته و در نهایت، پیشنهادهایی برای بهبود نظام داوری ارائه می‌دهد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که هرچند داوری اشخاص حقوقی می‌تواند به افزایش کارایی و تخصص‌گرایی در حل و فصل اختلافات کمک کند، اما چالش‌های مرتبط با استقلال، بی‌طرفی و ماهیت شخصیتی داور همچنان از موانع اساسی در پذیرش آن به شمار می‌رود.

کلیدواژه‌ها: داوری، اشخاص حقوقی، داور، داوری سازمانی، داوری شخص حقوقی

مقدمه:

داوری به‌عنوان یکی از روشهای جای‌گزین حل‌وفصل اختلافات، در نظامهای حقوقی مختلف جایگاه ویژه‌ای دارد. این شیوه که با هدف کاهش بار دادگاه‌ها و تسریع در حل اختلافات مورد استفاده قرار می‌گیرد، معمولاً با انتخاب یک یا چند داور از سوی طرفین انجام می‌شود. در این میان، یکی از مسائل چالش‌برانگیز، امکان‌سنجی ارجاع داوری به اشخاص حقوقی است.

آیا یک شخص حقوقی می‌تواند همانند اشخاص حقیقی به‌عنوان داور ایفای نقش کند؟ یا این که داوری، ماهیتی صرفاً وابسته به اراده و قوه تشخیص افراد حقیقی دارد؟ برخی از نظامهای حقوقی، همچون آلمان و بلژیک، داوری اشخاص حقوقی را پذیرفته‌اند، درحالی‌که برخی دیگر از جمله فرانسه و انگلستان، داوری را منحصر به اشخاص حقیقی دانسته‌اند. در نظام حقوقی ایران نیز این موضوع همواره مورد بحث بوده است و آرای محاکم و نظرات حقوق‌دانان در این زمینه اختلاف نظرهایی را نشان می‌دهد.

در این مقاله، ابتدا به بررسی تفاوت میان داوری اشخاص حقوقی و داوری نهادی می‌پردازیم تا مفهوم دقیق داوری شخص حقوقی روشن شود. سپس دلایل موافقان و مخالفان این موضوع را بررسی می‌کنیم و در نهایت، شیوه اجرای داوری توسط اشخاص حقوقی و تفاوت‌های آن با داوری اشخاص حقیقی را مورد مطالعه قرار خواهیم داد.

۱. تفاوت داوری شخص حقوقی و داوری سازمانی

پاره‌ای از نویسندگان^۱ به نوعی قواعد داوری شخص حقوقی را با داوری نهادی، درآمیخته‌اند و آن‌ها را یکسان یا حداقل همسان دانسته‌اند. برای مثال به‌عنوان شاهد مثالی برای اثبات امکان داوری شخص حقوقی به ماده ۲ قانون اساسی نامه مرکز داوری اتاق ایران استناد کرده‌اند که داوری را تنها هدف این شخص حقوقی (مرکز داوری اتاق ایران) دانسته است. این ماده بیان می‌دارد: «موضوع فعالیت «مرکز» حل و فصل اختلافات بازرگانی اعم از

^۱ خدابخشی، دکتر عبدالله، حقوق داوری و دعاوی مربوط به آن در رویه قضایی، ص ۲۴۶

داخلی و خارجی از طریق داوری است.» این درحالی است که مرکز داوری اتاق ایران در شمار سازمانهای داوری طبقه‌بندی شده و ارجاع داوری به آن، نوعی ارجاع داوری به شخص حقوقی نیست بلکه ارجاع سازمان‌دهی داوری به يك شخص حقوقی است. بنابراین لازم است که تفاوت دقیق داوری شخص حقوقی و داوری نهادی مورد بررسی واقع شود.

داوری شخص حقوقی بدین معنا است که اشخاص طرف اختلاف، يك شخص حقوقی را به‌عنوان داور خود برگزینند. شیوه برگزیدن این شخص حقوقی دقیقاً مانند همان شیوه‌هایی است که ممکن است شخص حقیقی به موجب آن شیوه‌ها به داوری منصوب شود. یعنی ممکن است طرفین، يك شخص حقوقی را در توافق داوری مقید به‌عنوان داور برگزینند، ممکن است به موجب توافقی مؤخر يك شخص حقوقی را به‌عنوان داور مرضی‌الطرفین برگزینند. ممکن است یکی از ایشان شخص حقوقی را به‌عنوان داور اختصاصی خود برگزینند یا آن که این شخص حقوقی توسط دادگاه یا شخص ثالث به امر داوری منصوب شود. بنابراین در داوری شخص حقوقی ممکن است تمام احکام نصب داور از داوری موردی اشخاص حقیقی تبعیت کند، همین قاعده درخصوص سایر احکام داوری شخص حقوقی مانند شیوه رسیدگی داور یا هیأت داوری، شیوه ابلاغ و اجراء و ابطال رأی و جرح داوران نیز برقرار است. بنابراین داوری شخص حقوقی لزوماً يك داوری نهادی نیست. بلکه ممکن است در قالب يك داوری موردی صورت گیرد. همان‌گونه که اختلافاتی که قابل ارجاع به شخص حقیقی است، قابل ارجاع به شخص حقوقی نیز باشد. تنها تفاوتی که در این خصوص وجود دارد و لازم است مورد رسیدگی واقع شود، آن است که در داوری شخص حقوقی چه شخصی یا مقامی از آن شخص حقوقی عهده‌دار تصمیم‌گیری درخصوص مسائلی چون قبول داوری و صدور رأی داوری است؛ که این سؤال مورد بررسی واقع خواهد شد.

آنچه در بالا بیان شد درخصوص داوری شخص حقوقی است. اما در داوری نهادی، این سازمان داوری است که عهده‌دار مواردی چون نصب، رسیدگی، جرح داوران، تعیین داور جای‌گزین و ابلاغ رأی داور می‌شود. در داوری نهادی برخلاف داوری شخص حقوقی، احکام داوری از حیث شیوه رسیدگی داوران و نصب و جرح ایشان و ابلاغ رأی داوری، با داوری موردی تفاوت‌های قابل توجهی دارد ولی شخصی که در داوری نهادی برای انجام امر

داوری تعیین می‌شود ممکن است يك شخص حقیقی باشد که علی‌الاصول نیز همین‌گونه است. اما در داوری شخص حقوقی، اگر شخص حقوقی در قالب يك داوری موردی به داوری برگزیده شده باشد شیوه نصب و جرح داوران و رسیدگی ایشان و ابلاغ رأی از همان قواعد داوری موردی تبعیت می‌کند، گرچه در این داوری به جای آن که اراده شخص حقیقی به‌عنوان رأی داور قلمداد شود، اراده شخص حقوقی به‌عنوان رأی داور تلقی می‌شود. به‌عبارت دیگر می‌توان تفاوت این دو داوری را در يك جمله خلاصه کرد و آن این که سازمانی دانستن داوری ناظر به قواعد حاکم بر فرآیند داوری مانند نصب و جرح و تعیین جای‌گزین و ابلاغ رأی است و حقوقی بودن شخص داور، ناظر به شخص داوری‌کننده است. بنابراین قیاس این دو، قیاس مع‌الفارق و نامتجانس است. این تفاوت داوری شخص حقوقی و داوری نهادی است. بنابراین پیدا است که یکی دانستن این دو داوری آن‌گونه که برخی از نویسندگان^۱ تصور کرده‌اند صحیح نیست.

۲. امکان سنجی داوری اشخاص حقوقی

در این که آیا داوران باید حتماً شخص حقیقی باشند یا آنان می‌توانند شخص حقوقی نیز باشند، بین نظام‌های حقوقی اختلاف نظر وجود دارد. در بلژیک و آلمان امکان انتخاب شخص حقوقی به‌عنوان داور پیش‌بینی شده است درحالی‌که در انگلستان، ایتالیا و فرانسه داوران باید شخص حقیقی باشند.^۲ ابتدا به بررسی ادلة عدم جواز داوری شخص حقوقی می‌پردازیم و سپس با نقد این ادله، دلایل جواز داوری شخص حقوقی را بررسی خواهیم کرد.

۲/۱. نظریه عدم جواز داوری اشخاص حقوقی و ادلة آن

برخی از نویسندگان صراحتاً داوری شخص حقوقی را نفی کرده‌اند. استدلال ایشان در این خصوص آن است که:

^۱ خدابخشی، عبدالله، پیشین، ص ۲۴۶

^۲ Poudret, Jean-Francois, Comparative Law of International Arbitration, Sweet & Maxwell, 2007, pp. 327-328.

۱. «داوری در واقع نوعی قضاوت است که نیازمند تجزیه و تحلیل اطلاعات اکتسابی از سوی طرفین و پردازش ذهنی آنان است و این پردازش جز با ممیزی رویدادها و وقایع بین طرفین ممکن نیست و عقل سلیم از عهده این اقدام برمی‌آید و عقل خصیصه شخص حقیقی است و شخص حقوقی از قوه عقل و شعور محروم است.»^۱ بنابراین «اشخاص حقوقی به‌طور طبیعی قادر به اعمال این حق نخواهند بود. راست است که در نصوصی دآوری اشخاص حقوقی تصریح شده است اما چون شخص حقوقی تنها توسط مدیران آن، که اشخاص حقیقی باشند می‌تواند در مقام دآوری، ادعاها، ادله و استدلال‌ات طرفین را مورد بررسی، استماع و ارزیابی قرار داده و حق‌دار را از بی‌حق تشخیص دهد و با استدلال اقدام به صدور رأی کند، باید پذیرفت که در تمام مواردی که دآوری به شخص حقوقی واگذار می‌شود چنین شخصی تنها می‌تواند دآوری را سازمان‌دهی کند و در اصل دآوری را شخص یا اشخاص طبیعی حقیقی انجام خواهند داد.»^۲

۲. استدلال دیگر در این خصوص می‌تواند استفاده مکرر قانون‌گذار از عبارت «نفر» در مواد مکرر قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی و قانون دآوری تجاری بین‌المللی باشد. قانون‌گذار در مواد ۴۵۴، ۴۶۰ و ۴۶۴ ق.آ.د.م و همچنین در بندهای ۱، ۲-ب و ۶-ج از ماده ۱۱ و بند ۱ از ماده ۳۰ ق.د.ت.ب در خصوص داوران از عبارت «نفر» بهره‌جسته است. با توجه به آن که این عبارت ناظر به شخص حقیقی است، بنابراین نتیجه می‌شود که داور نمی‌تواند شخص حقوقی باشد.

۳. استدلال دیگری که می‌توان برای ممنوعیت دآوری شخصی حقوقی ارائه کرد آن است که در رجوع به دآوری اشخاص حقوقی از آن‌جا که فرد معینی از آن معلوم و مشخص نیست، مشخصات داور نزد طرفین آن‌چنان که باید معلوم و معین نشده است و این امر موجب اشتباه نسبت به مشخصات داور خواهد بود.

^۱ مهاجری، علی، مبسوط در آیین دادرسی مدنی، ج ۴، ص ۱۷۵

^۲ شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، جلد سوم، ص ۵۳۷

شعبه ۲۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران در دادنامه شماره ۸۲/۳/۱۲-۲۵۷ موضوع پرونده شماره ۸۱/۲۵/۷۹۳ با استناد به این استدلال، داوری شخص حقوقی را نپذیرفته است. در این رأی آمده است:

«... مستنبط از مواد ۴۵۴ و ۴۵۸ و ۴۶۶ و ۴۶۹ و ۴۷۳ و ۴۷۴ و دیگر مواد قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی در مبحث داوری منظور مقنن از داور فرد طبیعی و شخص حقیقی می‌باشد و نه شخص حقوقی زیرا مشخصات داور نزد طرفین آن‌چنان باید معلوم و معین باشد که هیچ‌گونه شبهه‌ای در آنان به‌وجود نیاید درحالی‌که رجوع به داوری اشخاص حقوقی که فرد معینی از آن معلوم و مشخص نیست موجب اشتباه نسبت به مشخصات داور خواهد بود. به موجب بند ۷/۲ قرارداد در تاریخ ۷۵/۱۰/۹ داور مرضی‌الطرفین دفتر حقوقی سازمان سیاحتی و مراکز تفریحی بنیاد مستضعفان و جانبازان تعیین گردیده که کیفیت ارجاع امر به داور برخلاف موازین ماده ۴۵۸ قانون مذکور می‌باشد و مسلم است که مشخصات داور نزد طرف دیگر معلوم نبوده و به‌طوری نبوده که رافع اشتباه باشد. بنابراین با استناد به بند ۷ ماده ۴۸۹ همین قانون قرارداد رجوع به داوری بی‌اعتبار بوده...»^۱

بنابر استدلالات فوق‌الذکر پذیرش داوری توسط شخص حقوقی مردود است.

رویه غالب محاکم مبنی بر نپذیرفتن کار داوری توسط شخص حقوقی است. به موجب نظر کمیسیون معاونت آموزش قوه قضائیه و نیز به موجب نظر اکثریت قضات دادگستری تبریز، داوری شخص حقوقی مردود دانسته شده است.^۲ اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضائیه نیز در نظر مشورتی شماره ۷/۶۱۴۴ مورخ ۱۳۸۰/۶/۲۹ در تأیید این نظر بیان می‌دارد: «ارجاع امر به داوری با توجه به مقررات داوری در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی از ماده ۴۵۴ این قانون تا ماده ۵۰۱ فقط به اشخاص حقیقی مقدور است. داوری اشخاص حقوقی مگر در مواردی که قانون تصریح شده باشد با عنایت به مقررات این قانون فاقد ضمانت اجرا است.»

۱ زندگی، محمدرضا، داوری (رویه قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران در امور مدنی)، صص ۲۶ و ۲۷

۲ معاونت آموزش قوه قضائیه، مجموعه نشست‌های قضایی، آیین دادرسی مدنی، ج ۵، صص ۲۸۹ و ۲۹۰

۲/۲. نظریه جواز داوری اشخاص حقوقی و ادله آن

ادله‌ای که دلالت بر جواز داوری توسط شخص حقوقی دارد، عبارت‌اند از این‌که:

۱. علی‌رغم نظر برخی حقوق‌دانان که بیان داشته‌اند «اشخاص حقوقی به‌طور طبیعی قادر به اعمال این حق نمی‌باشند»^۱ از نظر منطقی هیچ معنی برای انجام داوری توسط اشخاص حقوقی وجود ندارد. ماده ۵۸۸ ق.ت. در خصوص اهلیت اشخاص حقوقی بیان می‌دارد: «شخص حقوقی می‌تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قایل است مگر حقوق و وظائفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد مانند حقوق و وظائف ابوت، بنوت و امثال ذلک.» بنابراین ماده اشخاص حقوقی فقط نسبت به اموری حق اقدام ندارند که آن امور مرتبط با شخصیت افراد انسانی یا به عبارت دیگر در شمار حقوق مربوط به شخصیت باشد. بدیهی است که اشخاص حقوقی از حقوقی چون ابوت، بنوت، ولایت قهری، زوجیت و مطالبه خسارات ناشی از لطمه به عواطف و احساسات برخوردار نیستند اما داوری را نمی‌توان از حقوق مربوط به شخصیت دانست. همان‌طور که شخص حقوقی می‌تواند اراده خود را به موجب تصمیم مجامع عمومی یا مدیران متجلی سازد، می‌تواند اراده خود را در زمینه تصمیم‌گیری و صدور رأی داوری نیز به همین وسیله متجلی دارد. اگر آن‌گونه که برخی از نویسندگان بیان داشته‌اند^۲، اتخاذ تصمیم داوری توسط مدیران شخص حقوقی را به معنی منتفی بودن انجام داوری توسط شخص حقوقی بدانیم، در این صورت باید اشخاص حقوقی را از انعقاد قرارداد و انشاء هرگونه عمل حقوقی نیز محروم بدانیم؛ چراکه تمام این امور توسط مدیران ایشان مورد تصمیم‌گیری و اقدام قرار می‌گیرد.

۲. در قوانین ما داوری شخص حقوقی پذیرفته شده است. در تعریفی که در بند الف از ماده ۱ ق.د.ت.ب از داوری ارائه شده است، صراحتاً داوری اشخاص حقوقی پذیرفته شده است. در این بند آمده است که: « داوری عبارت است از رفع اختلاف بین متداعیین در خارج از دادگاه به وسیله شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی مرضی‌الطرفین و یا انتصابی.» بنابراین بند، هم شخص حقیقی و هم شخص حقوقی می‌توانند به داوری برگزیده شوند. این امر مطابق با

^۱ شمس، پیشین، ص ۵۳۷

^۲ شمس، پیشین، ص ۵۳۷

بند (۲) ماده ۱ کنوانسیون نیویورک، است که مقرر کرده است که آراء داوری شامل آراء داوران منصوب برای هر پرونده و هم‌چنین آراء صادره از ارکان دائمی داوری نهادی است که طرف‌ها به آن رجوع کرده‌اند.

بنابراین مشاهده می‌شود که نه تنها داوری شخص حقوقی به‌طور طبیعی ممتنع نیست که در حقوق ما و حداقل در قانون داوری تجاری بین‌المللی امکان‌پذیر دانسته شده است. گرچه امکان داوری شخص حقوقی صرفاً در قانون داوری تجاری بین‌المللی مورد تصریح واقع شده است، اما با توجه به آن که ذات داوری بین‌المللی و ذات داوری داخلی، یکی است، و از آن‌جا که بند الف ماده ۱ ق.د.ت.ب در مقام بیان تعریف اصل داوری، و نه صرفاً داوری تجاری بین‌المللی، بوده است، بنابراین در تمام اقسام داوری اعم از داوری داخلی یا بین‌المللی و داوری موردی یا نهادی، قبول داوری توسط شخص حقوقی امکان‌پذیر است. ممکن است در مقام پاسخ به این استدلال بیان شود که منظور قانون‌گذار از داوری شخص حقوقی در بند الف ماده ۱ ق.د.ت.ب، داوری نهادی بوده است. برخی احتمال داده‌اند که «از آن‌جا که جزئیات دخالت شخص حقوقی به‌عنوان داور در سایر مواد قانون داوری تجاری بین‌المللی مطرح نشده است، این تلقی ممکن است به وجود آید که منظور از ذکر شخص حقوقی در بند الف) ماده ۱، بیان امکان حل و فصل اختلاف از طریق سازمان‌های داوری است نه این که داور می‌تواند یک شخص حقوقی باشد.»^۱ این برداشت در برخی از کشورها مورد حمایت قرار گرفته است که انتخاب شخص حقوقی به‌عنوان داور به معنای انتخاب سازمان داوری است که خود رأساً به‌عنوان داور انجام وظیفه نمی‌کند، بلکه بر تشکیل دیوان داوری و پیشبرد آن نظارت می‌کند.^۲ که این ایراد نیز از ۲ جهت مردود است:

▪ با توجه به آن‌چه درخصوص تفاوت داوری شخص حقوقی و داوری نهادی بیان شد، یکی دانستن منظور قانون‌گذار از عبارت داوری شخص حقوقی و داوری نهادی صحیح نیست.

^۱ شیروی، داوری تجاری بین‌المللی، ص ۱۶۰

^۲ Rubino-Sammartano, Mauro, *International Arbitration Law and Practice*, 2nd ed., Kluwer Law International, The Netherlands, 2001, pp. 328-329.

■ قانون‌گذار زمانی که در قانون مذکور از داوری سازمانی سخن می‌گوید، در هیچ یک از مواد آن، به قبول داوری توسط سازمان داوری اشاره نمی‌کند بلکه نگاه قانون‌گذار به سازمان داوری، به عنوان سازمان‌دهنده فرآیند داوری و کنترل‌کننده آن بوده است. در بند ۲ از ماده ۶ ق.د.ت.ب در این خصوص آمده است که: «در داوریهای سازمانی انجام وظایف مندرج در بندهای (۲) و (۳) ماده (۱۱)، بند (۳) ماده (۱۳) و بند (۱) ماده (۱۴) به عهده سازمان داوری مربوط است.» وظائفی که در این ماده انجام دادن آنها بر عهده سازمان داوری واگذار شده است، عبارت‌اند از: نصب داور یا سرداور در صورت امتناع یکی از طرفین یا شخص ثالث از نصب داور، تصمیم‌گیری نسبت به جرح داور و تصمیم‌گیری در خصوص ختم مأموریت داوری که قادر به انجام دادن وظایف داوری نباشد. همچنین در بند «الف» از ماده ۳ همان قانون آمده است: «در داوری سازمانی، نحوه و مرجع ابلاغ مطابق مقررات سازمان مزبور خواهد بود.» بنابراین مواد مشاهده می‌شود که سازمان داوری، عهده‌دار داوری و رفع اختلاف معرفی نشده است؛ بلکه وظیفه آن سازمان دادن جریان داوری از حیث اموری چون نصب داوران و رسیدگی به جرح ایشان و ابلاغ رأی داوری و... است. بنابراین منظور بند «الف» ماده ۱ این قانون که از انجام دادن داوری توسط شخص حقوقی سخن گفته است نمی‌تواند داوری نهادی باشد. قانون دیگری که در آن داوری شخص حقوقی مورد تصریح واقع شده است، قانون شوراهای حل اختلاف (مصوب ۱۳۸۷/۴/۱۸) است. ماده ۴۷ این قانون بیان می‌دارد: «در مواردی که شورا به‌عنوان داور مورد توافق طرفین به دعاوی و اختلافات رسیدگی می‌کند، رعایت مقررات مربوط به داوری مطابق قانون آیین دادرسی مدنی دادگاه عمومی و انقلاب الزامی است.» همان‌گونه که این ماده بیان داشته است، اشخاص می‌توانند شورای حل اختلاف را به‌عنوان داور انتخاب کنند، بدون این‌که شناختی نسبت به اعضای رسیدگی‌کننده در شورا داشته باشند، هرچند عمل داوری کردن و اتخاذ تصمیم توسط اعضای شورا انجام می‌شود.

۳. این‌که قانون‌گذار در مواد قانون از عبارات «نفر» استفاده کرده است، نمی‌تواند دلالتی بر لزوم حقیقی بودن داور یا داوران داشته باشد، چرا که قانون‌گذار در بسیاری دیگر از قوانین نیز در خصوص اموری که هم ناظر به اشخاص حقیقی و هم ناظر به اشخاص حقوقی بوده

است، از عبارت «نفر» استفاده کرده است. برای مثال در ماده ۱۸۳ ق.م در تعریف عقد بیان می‌دارد: «عقد عبارت است از این که يك يا چند نفر در مقابل يك يا چند نفر دیگر تعهد بر امری نمایند و مورد قبول آنها باشد.» درحالی که بدیهی است که عقد ممکن است توسط اشخاص حقوقی منعقد شود. یا در ماده ۱ ق.ت درخصوص تعریف تاجر بیان می‌دارد: «تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار بدهد.» همان‌طور که مشاهده می‌شود قانون‌گذار در این ماده از عبارت «تاجر کسی است...» استفاده کرده است که حمل بر اشخاص حقیقی می‌شود، درحالی که تاجر می‌تواند شخص حقوقی باشد. همچنین در ماده ۳ ل.ا.ق.ت و مواد ۹۴، ۱۱۶، ۱۴۱، ۱۶۲ و ۱۸۳ ق.ت از عبارت نفر برای بیان تعداد شرکاء شرکت‌های تجاری بهره برده است. درحالی که بدیهی است که اشخاص حقوقی نیز می‌توانند شرکای يك شرکت تجاری باشند. درخصوص شرکت‌های سهامی به موجب ماده ۱۰۲ ل.ا.ق.ت و درخصوص شرکت‌های تعاونی به موجب ماده ۸ ق.ب.ت،^۱ این امر مورد تأکید قرار گرفته است که اشخاص حقوقی نیز می‌توانند شرکاء شرکت باشند. در سایر شرکتها هم بنابر اصول مسلم حقوقی و رویه عملی، اشخاص حقوقی به عنوان شریک شرکت پذیرفته شده‌اند. گذشته از تمام استدلالهای فوق، باید توجه داشته که هم در ادب عرب و هم در ادبیات فارسی، کلمه نفر هم شامل شخص حقیقی می‌شود و هم شامل گروه. شخص حقوقی هم گروهی از افراد هستند که اعمال اراده می‌کنند و مردم، همه مردم، گروهی از مردم یا جماعتی از مردم از سه تا ده جزء معانی نفر است.^۲

بنابراین قانون‌گذار، در مواد متعددی از عبارت «نفر» درخصوص اموری استفاده کرده است که می‌تواند هم ناظر به اشخاص حقیقی باشد و هم ناظر به اشخاص حقوقی. درخصوص استفاده از کلمه «نفر» در قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی و

^۱ به موجب ماده ۸ سابق قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران، اعضای شرکت تعاونی فقط می‌توانستند شخص حقیقی باشند، اما این ترتیب بعدها به موجب ماده ۱ قانون اصلاح قسمتی از قانون بخش تعاون (مصوب ۱۳۷۷/۷/۵) تغییر کرد و امکان عضویت اشخاص حقوقی غیردولتی نیز در شرکت‌های تعاونی فراهم شد.

^۲ عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، صفحه ۱۲۱۵؛ معلوف، لویس، المنجد فی اللغة و الادب و العلوم، ص

قانون داورى تجارى بين المللى نيز به دليل ظن قوى به تسامح قانونگذار، نمى توان لزوم انجام داورى توسط اشخاص حقيقى را نتيجه گرفت. حتى ديده شده است كه در پاره‌اى از مقررات از عبارت «افراد حقوقى» استفاده شده است. براى مثال در ماده ۴ آئين‌نامه اجرائى قانون تاسيس مدارس غير انتفاعى (مصوب ۱۳۶۷/۱۱/۱) هيات وزيران آمده است: «مجوز تاسيس مدارس غير انتفاعى به نام فرد يا افراد حقيقى و حقوقى صادر مى‌شود.»

۴. دليل ديگر ادله مخالفان داورى شخص حقوقى مبنى بر اين كه در داورى شخص حقوقى، مشخصات داور آن گونه كه لازم است در نزد طرفين معلوم نيست، از چند جهت مردود است:

- يكى اين كه در داورى شخص حقوقى، اين شخص حقوقى است كه داور است، نه مديران و اعضا و سهامداران آن. بنا بر اين اوصاف داور كه همان شخص حقوقى باشد در نزد طرفين كاملاً مشخص يا قابل تشخيص است. بنا بر اين از حيث مشخص بودن مشخصات داور تفاوتى بين داورى شخص حقيقى و شخص حقوقى نيست. همان طور كه اوصاف داور حقيقى نزد طرفين قابل تعيين است، اوصاف داور حقوقى نيز قابل تعيين است.

- اگر منظور قايلان به اين نظر آن باشد كه اوصاف مدير يا مديران داورى كننده بين طرفين معلوم نيست، باز هم اين ايراد وارد نيست، چرا كه حتى در داورى شخص حقيقى ممكن است اوصاف داور بين طرفين معلوم و معين نباشد. براى مثال در تمام مواردى كه طرفين، خود در موافقت‌نامه داورى داور را تعيين نكرده و نصب داور بر عهده شخص ثالث، دادگاه يا سازمان داورى نهاده شده است، اوصاف و مشخصات داور براى طرفين اختلاف معين نيست.

بنا بر استدلال‌هاى فوق‌الذكر، ادله قايلان به جواز داورى شخص حقوقى، از اتقان و استحكام بيش‌ترى برخوردار است.^۱

گرچه رويه غالب محاكم مبنى بر نپذيرفتن انجام داورى توسط شخص حقوقى است، اما برخى از محاكم اين امر را پذيرفته‌اند. براى مثال شعبه ۱۸ دادگاه تجديد نظر استان تهران به موجب دادنامه شماره ۱۳-۲۵/۵/۸۲ پرونده شماره ۱۲۰۷/۱۸/۸۱ مقرر مى‌دارد:

۱ در تأييد اين نظر ر.ك. صدرزاده افشار، دكتور محسن، آيين دادرسى مدنى و بازرگانى، صفحه ۲۹۲

«درخصوص تجدیدنظرخواهی آقای مرتضی نسبت به دادنامه شماره ۱۰۱۷ در تاریخ ۸۱/۱۰/۵ صادره از شعبه ۲۲۷ دادگاه عمومی تهران که بر بی‌حقی خواهان اشعار دارد نظر به این‌که مطابق ماده ۴۵۵ قانون طرفین معامله می‌توانند به موجب قرارداد جداگانه یا ضمن معامله تراضی نمایند که در صورت بروز اختلاف بین آنان به داوری مراجعه کنند و می‌توانند داور یا داوران خود را قبل یا بعد از بروز اختلاف تعیین نمایند و با توجه به این‌که مطابق ماده ۱۱ قرارداد شماره ۷۷/۱۸۴۷ - ۷۷/۶/۸ (در سطر آخر قرارداد) مقرر گردیده اختلاف آنان از طریق انجمن صنفی حمل و نقل استان خراسان حل و فصل شود بنابراین رسیدگی قضایی در محاکم دادگستری قبل از ارجاع امر به داوری و اظهارنظر داور و جاهت قانونی ندارد و دعوا بدین جهت قابلیت استماع نداشته و مقتضی قرار رد است، بنابراین با استناد به قسمت اخیر ماده ۳۵۸ قانون رأی معترض به نقض و قرار رد دعوای خواهان صادر می‌شود.»^۱

در رأی ذیل نیز شعبه هیجدهم دادگاه تجدیدنظر استان تهران، داوری شخص حقوقی (انجمن شرکت‌های حمل و نقل بین‌المللی ایران) را پذیرفته است:

دادنامه تجدیدنظرخواسته به شماره ۴۳۹ در تاریخ ۸۲/۵/۲۳ صادره از شعبه ۳۴ دادگاه حقوقی تهران که بر رد دعوی خواهان مبنی بر ابطال نظر به شماره ۱۴۰/۲۸۶/۸۸۴۰ در تاریخ ۷۷/۸/۱۶ انجمن شرکت‌های حمل و نقل بین‌المللی ایران و پرداخت حق‌العمل کرایه حمل کالا و خسارات وارده اشعار دارد مخالف قانون و محتویات پرونده و مدارک ابرازی است زیرا اولاً تجدیدنظرخواه و شرکت تجدیدنظر خوانده ردیف اول قرارداد خصوصی به شماره ۹۶۲۰۱ در تاریخ ۷۶/۷/۳۰ را با موضوع انجام عملیات حمل و نقل کالا در خطوط بین‌المللی جاده‌ای به وسیله کامیون منعقد و مطابق بند ۳-۶ ماده ششم قرارداد مذکور توافق نموده در صورت بروز اختلاف در نحوه تفسیر یا اجرای قرارداد ابتدا از طریق مذاکره و در صورت عدم توافق به داوری مرضی‌الطرفین سندیکای شرکت حمل و نقل بین‌المللی ایران رجوع نمایند ثانیاً طرفین قرارداد با حدوث اختلاف مطابق با مفاد قرارداد به انجمن شرکت‌های حمل و نقل بین‌المللی ایران مراجعه و مرجع مذکور نیز به موجب نظریه شماره ۱۴۰/۲۸۶/۸۸۴۰ در تاریخ ۷۷/۸/۱۶ اقدام به صدور نظریه نموده و این نظر در فرجه قانونی

مورد اعتراض قرار نگرفته و به دلیل پذیرش و تمکین به مفاد نظریه به اجرا درآمده و کالا تحویل شرکت تجدیدنظر خوانده ردیف اول شده و به مقصد حمل گردیده است ثالثاً به فرض این که نظریه انجمن شرکتهای حمل و نقل بین‌المللی ایران به‌عنوان نظر کارشناسی که طرفین به اعلام نظر توافق کرده تلقی گردد با توجه به مفاد قرارداد مذکور قبل از مراجعه به داوری مرضی‌الطرفین طرح دعوی در محاکم دادگستری از موقعیت قانونی برخوردار نمی‌باشد لذا دادگاه با استناد به صدر ماده ۳۵۸ از قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و با رعایت بند یازده ماده ۸۴ و ماده دوم از قانون مرقوم با نقض دادنامه تجدیدنظر خواسته قرار رد دعوی خواهان را صادر و اعلام می‌دارد. این رأی قطعی است.^۱

در «شرایط عمومی پیمان»، که به موجب بخشنامه شماره ۵۴/۸۴۲-۱۰۲/۱۰۸۸ مورخ ۱۳۷۸/۳/۳ سازمان برنامه و بودجه سابق، به دستگاه‌های اجرائی، مهندسان مشاور و پیمانکاران ابلاغ شده است و نسبت به طرح‌های عمرانی کشور، جز استثنائات مذکور در همان بخشنامه، لازم‌الرعایه است، داوری شخص حقوقی مقرر شده است. در بند «ج» از ماده ۵۳ شرائط عمومی پیمان آمده است: «هرگاه در اجرا یا تفسیر مفاد پیمان بین دو طرف اختلاف نظر پیش آید، هر یک از طرفها می‌تواند درخواست ارجاع موضوع یا موضوعات مورد اختلاف به داوری را به رئیس سازمان برنامه و بودجه ارائه کند.

تبصره ۱. چنانچه رئیس سازمان یاده شده با تقاضای مورد اشاره موافقت کند، مرجع حل اختلاف شورای عالی فنی خواهد بود.

تبصره ۲. رسیدگی و اعلام نظر شورای عالی فنی، در چارچوب پیمان و قوانین مربوط انجام می‌شود. پس از اعلام نظر شورای یاد شده، طرفها بر طبق آن عمل می‌کنند.»

بنابراین مشاهده می‌شود که سازمان برنامه و بودجه در این ماده از شرایط عمومی پیمان که نوعی قرارداد لازم‌الاتباع در قراردادهای پیمانکاری عمرانی است، انجام دادن داوری توسط شورای عالی فنی را که نوعی داوری شخص حقوقی است مقرر کرده است.

^۱ زندی، محمدرضا، پیشین، صص ۴۶ و ۴۷

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

با توجه به اهمیت داوری در حل و فصل اختلافات و نقش اشخاص حقوقی در این فرآیند، بررسی صلاحیت آنها برای قبول داوری از منظر حقوق ایران ضروری است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در نظام حقوقی ایران، ممنوعیت صریحی برای داور بودن اشخاص حقوقی وجود ندارد، اما ابهامات قانونی و رویه‌های قضایی مختلف ممکن است چالشهایی در این زمینه ایجاد کنند. بررسی تطبیقی نشان می‌دهد که در بسیاری از نظامهای حقوقی، اشخاص حقوقی می‌توانند به عنوان داور یا ارائه‌دهنده خدمات داوری فعالیت کنند، مشروط بر رعایت اصول بی‌طرفی و استقلال.

اما در این خصوص پیشنهاد می‌شود قانون‌گذار به‌طور صریح وضعیت اشخاص حقوقی را در داوری مشخص کند تا از بروز تفاسیر متفاوت جلوگیری شود.

منابع

فارسی

۱. خدابخشی، دکتر عبدالله، حقوق داوری و دعاوی مربوط به آن در روبه قضایی، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۹۱
۲. زندی، دکتر محمدرضا، داوری (رویه قضایی دادگاه-های تجدیدنظر استان تهران در امور مدنی)، تهران، انتشارات جنگل، جاودانه، چاپ دوم، ۱۳۸۹
۳. شمس، دکتر عبدالله، آیین دادرسی مدنی، ج ۳، تهران، انتشارات دراک، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۴
۴. شیروی، دکتر عبدالحسین، داوری تجاری بین المللی، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول، زمستان ۱۳۹۱
۵. صدرزاده افشار، دکتر محسن، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، تهران، انتشارات ماجد، چاپ پنجم، ۱۳۷۹
۶. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۸
۷. معاونت آموزش قوه قضائیه، مجموعه نشستهای قضایی، آیین دادرسی مدنی، ج ۵، قم، نشر قضا، چاپ اول، ۱۳۸۷
۸. معلوف، لویس، المنجد فی اللغة و الادب و العلوم، بیروت، المطبعة الكاثولیکیه، ۱۹۵۶ م
۹. مهاجری، دکتر علی، مبسوط در آیین دادرسی مدنی، ج ۴، تهران، انتشارات فکرسازان، چاپ دوم، ۱۳۸۹.

انگلیسی

10. Poudret, Jean-Francois, Comparative Law of International Arbitration, Sweet & Maxwell, 2007
11. Rubino-Sammartano, Mauro, International Arbitration Law and Practice, 2nd ed., Kluwer Law International, The Netherlands, 2001

Analysis and Critique of Judicial Precedent Concerning the Legal Person's Arbitration

Mona Sam ¹

Abstract

Arbitration, as one of the most significant alternative dispute resolution mechanisms, has always been a subject of interest in various legal systems. One of the key challenges in this area is the feasibility of legal persons playing an arbitration role. In some countries, including Germany and Belgium, arbitration conducted by a legal person is accepted, while in the French and English legal systems only natural persons are recognized as authorized to arbitrate. This issue is also a matter of dispute in Iranian law, and different opinions have been presented regarding the permissibility or non-permissibility of arbitration conducted by legal persons. This article examines the concept of arbitration of legal entities and its difference from institutional arbitration, analyzing the pros and cons of this issue. It also examines the legal foundations, benefits, and challenges of accepting arbitration conducted by legal persons, and concludes by offering suggestions for improving the arbitration system. The results of this study show that although arbitration of legal entities can help increase efficiency and specialization in resolving disputes, challenges related to the independence, impartiality, and personality of the arbitrator are still considered major obstacles to its acceptance.

Keywords: *arbitration, legal persons, arbitrator, institutional Arbitration, arbitration conducted by Legal persons*

1. LLM in Private Law, University of Tehran

Email: mona.sam1395@gmail.com